

تأثیر فرهنگ و تمدن صقلیه بر اروپا

(قرن‌های سوم تا پنجم هـ.ق)

صابر اداک^۱، مهدی طاهری^{*}

چکیده

سیسیل که در منابع اسلامی از آن به صقلیه یاد شده، جزیره‌ای در جنوب ایتالیا و در دریای مدیترانه واقع است. در سال ۲۹۰ هـ.ق/۹۰۲م، جزیره‌ی صقلیه کاملاً به تصرف ابراهیم دوم اغلبی (ح. ۲۹۶-۲۹۰ هـ.ق) فرمانروای افریقه درآمد؛ سپس فاطمیان بر آن مسلط شدند و در سال ۴۸۳ هـ.ق/۱۰۹۲م، حاکمیت مسلمانان در صقلیه به پایان رسید. تأثیرات اساسی در جزیره به وقوع پیوست، تحولات علمی و فرهنگی مسلمانان برای اهالی سیسیل وصف ناپذیر بود. با گذشت کمتر از دو دهه از حضور مسلمانان، زبان و فرهنگ ایشان غالب می‌گردید.

اگرچه مسلمانان کمتر از دویست سال در صقلیه حکومت کردند، اما این جزیره به یکی از مراکز مهم فرهنگی و تمدنی جهان اسلام مبدل شد. صقلیه نقش عظیمی در انتقال علوم و فرهنگ اسلامی به اروپا داشته است. در خصوص ترجمه‌ی متون اسلامی به لاتین می‌توان ادعا کرد که نخستین ترجمه‌ی منظم و گسترده‌ای که در این حوزه صورت گرفت در سیسیل بود که می‌توان به سالرنو، پالرمو و ناپل در این رابطه اشاره نمود.

واژگان کلیدی: سیسیل، صقلیه، فرهنگ و تمدن، علوم، اروپا، ترجمه، مسلمانان

۱. گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.

* (mtaheri50@yahoo.com)

مقدمه :

بر کسی پوشیده نیست که اروپا در سده‌های میانی و پس از آن، زندگی فکری و اندیشه‌ی خود را از بسیاری جهات مدیون اسلام بوده‌است.

وقتی اروپاییان قبل از نهضت علمی رنسانس در اواخر قرن یازدهم میلادی در ظلمت و جهل کامل زندگی می‌کردند، مسلمانان با فرهنگ درخشان خود در بلاد اسلامی به سرعت روبه رشد بودند.

مورخان راه‌های ارتباط و رسیدن تمدن اسلامی به اروپا را از سه طریق بیان کرده‌اند:

- (۱) جنگ‌های صلیبی
- (۲) اندلس
- (۳) صقلیه و جنوب ایتالیا

بحث ما در این مقاله در خصوص انتقال فرهنگ از طریق این جزیره است.

تغییرات و تحولات علمی فرهنگی که حدود دو‌یست سال تا پایان سلطه‌ی مسلمانان و دو سده‌ی بعدی، خصوصاً دوران حکومت نرمان‌ها، در جزیره‌ی مذکور روی داد. منشأ تحولات عظیمی در آن ناحیه و انتقال آن به اروپا گردید (کردعلی، ۱۹۴۶: ۱/۲۸۵). نخستین عامل نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی را می‌بایست فتوحات مسلمین در سرزمین‌های فتح شده دانست. در دوران خلافت ولیدبن عبدالملک اموی (ح. ۸۶-۶۹ هـ ق) عزم قطعی برای فتح سرزمین اندلس جامعه‌ی عمل پوشید و طی سال‌های ۹۵-۹۱ هـ ق / ۷۱۴-۷۱۰ م، این قلمرو وسیع فتح گردید. در دوره‌ی حکومت اغالبه تصرف سیسیل (۲۱۲ هـ ق / ۸۲۶ م) آغاز و در دوره‌ی فاطمیان کامل گردید (احسان عباس، ۱۹۵۹: ۱۱۷). به جهت روشن شدن تعاملات فرهنگی و تأثیرات تمدنی بر اروپا می‌بایست روابط شرق و غرب و روابط علمی و فرهنگی جهان اسلام و مسیحیت در دوران میانه شناخته شود. تشویق و تعالیم اسلامی مبنی بر علم اندوزی، اخلاق محوری و تسامح مذهبی با غیر مسلمین؛ کار و تولید و خدمات اجتماعی و خدمت به هم‌نوع از محورهای تعلیمی- تربیتی اسلام بوده‌است.

با توجه به موارد مذکور در دو محور این موضوع بررسی می‌شود:

اول، نفوذ و تأثیر فرهنگ غنی اسلامی در صقلیه و جنوب ایتالیا در دوره‌ی نرمان‌ها

(۵۹۱-۴۴۴ هـ.ق/۱۱۹۴-۱۰۵۲ م).

دوم، انتقال فرهنگ صقلی-اسلامی به اروپا در کنار جنگ‌های صلیبی، و شبه جزیره‌ی ایبریا به-عنوان یکی از محورهای انتقال تمدنی به اروپا.

تأثیر فرهنگ اسلامی بر سیسیل

اختلاف بین ابن حواس و ابن ثمنه از فرماندهان مسلمانان سیسیل باعث گردید که نرمان‌ها از این فرصت استفاده کنند و بر سیسیل مسلط شوند. ابن ثمنه برای غلبه بر ابن حواس از نرمان‌ها کمک خواست (۴۴۴ هـ.ق-۱۰۵۱ م). نرمان‌ها از این فرصت استفاده کردند و به همراه ابن ثمنه از ایتالای جنوبی حرکت را آغاز و مناطق سیسیل را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۱/۱۹۷).

با قدرت گرفتن نرمان‌ها در سیسیل و پایان دادن به حکومت مسلمانان (۴۸۵ هـ.ق/۱۰۹۲ م). حکومت مجدد به حاکمان مسیحی رسید. این درحالی بود که فرمانروایان مسیحی با نظام اسلامی فرمان می‌راندند. راجر دوم (۵۴۹-۴۸۸ هـ.ق/۱۱۵۲-۱۰۹۵ م) نه تنها نظام اداری مسلمانان را حفظ کرده بود، بلکه دربار وی پراز دانشمندان، منجمان، پزشکان، معلمان مسلمان بود. حتی بخش اعظم ساکنان جزیره بر عقاید اسلامی خود باقی مانده بودند.

فریدریک دوم (ح. ۱۲۵۶-۱۱۹۴ م) امپراتور آلمان و حاکم سیسیل، از فرهیخته‌ترین فرمانروایان طول تاریخ اروپا محسوب می‌شد، در دوران فرمانروایی حاکم سیسیل، نفوذ و گسترش دانش‌ها و فرهنگ اسلامی-عربی در سیسیل به اوج شکوفایی رسیده بود. او با زبان عربی آشنایی کامل داشت. فردریک دوم در سال ۱۲۳۸ میلادی به قصد جنگ‌های صلیبی به بیت المقدس رفت و آشنایی بیشتری با فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم و اندیشه‌های اسلامی پیدا نمود.

به رغم مخالفت‌های کلیسا در برابر فردریک دوم، مبنی بر عدم مدارا با مسلمانان، تسامح بی-مانندی از خود نشان داد و پیوندهای سیاسی-بازرگانی مهمی با ایوبیان مصر برقرار کرد و به ویژه با محمد خلیفه الکامل، مکاتبات و ارتباط علمی داشت. نمونه‌ی بارز آن، ارتباط با عارف نامدار، ابن سبعین، و پاسخ ایشان به سؤالات فردریک، تحت عنوان «الاجوبه عن الاسئله - الصقلیه»، درباره‌ی جاودانگی ماده و سرنوشت نامیرایی روح، الهیات و مانند این‌ها، مشهور

است (آل علی، ۱۳۷۰: ۳۳۶). نفوذ و گسترش دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا به ویژه شکوفایی آن را در سیسیل (صقلیه) می‌توان یکی از عوامل عمده‌ی زمینه‌ساز نهضت رنسانس یا همان تولد دوباره‌ی فرهنگی اروپا برشمرد.

همچنین می‌توان گفت نرمان‌ها پیشگامان اروپایانی بودند که فرهنگ اسلامی را شناختند و از آن در دوران حکومت خود بر سیسیل دفاع نمودند و از فکر و سیاست مسلمین برای اداره‌ی حکومت خود بهره بردند (عزیز احمد، ۱۳۶۲: ۸۰-۷۹). شاید بتوان گفت بهترین مبلغان فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب زمین و اروپای غربی نرمان‌ها بوده‌اند. البته به این نکته باید اشاره نمود که همه‌ی حکمای نرمان دیدگاه واحدی در بر خورد با مسلمانان نداشتند.

ادریسی در دربار نرمان‌ها زندگی می‌کرد و آن‌ها را می‌ستود. او می‌گفت: «ایشان علاوه بر تساهل با مسلمانان در امور مذهبی سکه‌ای ضرب نمودند که جمله‌ی «الله احد الله محمد رسول الله» حک شده بود. (ادریسی، ۱۹۸۹: ۲۶)، که شاید به عبارتی به منظور تألیف قلوب مسلمانان و ارج نهادن به خدمات ایشان بوده‌است.

در مقابل آن جمله‌ی ادریسی، ابن‌اثیر در الکامل می‌گوید: «روجر دوم (ح. ۱۱۵۴-۱۱۳۰) تمام ساکنان و اهالی جزیره را کشت و بر آن‌ها سخت گرفت و هنگام محاصره قصریانه و جرجنت بسیاری از گرسنگی گوشت مردار می‌خوردند» (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۹۷).

در جایی دیگر اشاره به بهره‌گیری از روش‌های مسلمانان دارد و می‌گوید: نورمان‌ها سیاست تعامل را در پیش گرفتند و کارهایی مانند به‌کارگیری جناب (سواران پشت قراول)، حاجب، سلاحیه (اسلحه‌دارها)، جاندار (کسی که در ایام خاص همراه حاکم می‌آمد و کنارش می‌نشست)، فرهنگ و هنر، علوم و شهرسازی را از مسلمانان اقتباس و به کار گرفتند (همان: ۱۹۸). نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی تا حدی پیش رفت که پادشاهان نرمانی القاب اسلامی به خود می‌نهادند. مثلاً روجر دوم خود را المعتز بالله، گیوم اول (ح. ۵۶۲-۵۴۹ هـ ق/ ۱۱۶۹-۱۱۵۶ م) (پسر روجر دوم که پس از او به حکومت رسید) خود را الهادی بامر الله و گیوم دوم (ح. ۵۸۵-۵۶۲ هـ ق/ ۱۱۹۲-۱۱۶۹ م) (فرزند گیوم اول که به علت کودکی مادرش سرپرستی حکومت را تا رسیدن به سن قانونی به عهده داشت) خود را المستعز بالله نامید و این القاب را روی سکه‌های این دوران حک کردند (عزیز احمد، همان: ۱۰۳). در جایی دیگر می‌بینیم که روجر دوم خود را

الملک المعظم القدیس نامیده است (همان: ۱۰۴). موارد فوق را باید پیشروی تمدن غنی اسلامی در رده‌های بالا و حکومتی اروپاییان بدانیم. اهالی صقلیه تمام اموری را که خود از فرهنگ اسلامی بهره برده بودند، به اروپا منتقل کردند. در این مجال ذکر این موضوع ضروری است که زبان و ادبیات و ترجمه‌ی کتب، طب و علوم پزشکی، صنایع و حرفه‌ها، آداب و رسوم، هنر و معماری از اهم این امور بوده است.

زبان و ادبیات

اروپای قرون وسطی، چنان که دین خود را مدیون یهود است، در ادب خود مدیون زبان و ادبیات عرب است. صقلیه بدون شک واسطه‌ای بود در نقل شعر و ادب اسلامی عربی به اروپا، فقط خنیاگران و رامشگران مسلمان در دربار فردریک دوم نبوده‌اند، بلکه شاعران و ستایشگران و مترجمان کتب اسلامی هم مؤثر بوده و این محیط فرهنگی در دربار فردریک دوم در پیدایش شعر ایتالیایی در صقلیه نقش بسزایی داشته، حتی زبان عامیانه‌ی ایتالیایی وسیله‌ای برای شعر تلقی می‌شده است که می‌بایست تقلیدی باشد از اهمیتی که امراء و حکام مسلمان در آن ایام به شعر عربی عامیانه می‌داده‌اند. این ادعا که شعر اروپایی در قرون وسطی از ادبیات عربی تأثیر پذیرفته، گزاف نیست (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۶۴-۱۶۳). بدیهی بود که هرکس اسلام می‌آورد، می‌بایست بتواند قرآن بخواند و بتواند به زبان عربی سخن گوید، که بعضی از آن به عنوان زبان فاتح نام می‌برند. اما با گذشت زمان مشخص شد که دیگر این زبان، زبان فاتحان و مهاجران بادیه نبود که به صقلیه آمده، زیرا مهاجران دیروز، کشاورزان، هنرمندان، صنعتگران و کارگزاران، مأموران دولتی و بازرگانان و پزشکان امروز بودند که با دیگر اقوام جزیره آمیخته شده و به ترویج فرهنگ و تمدن عربی-اسلامی پرداخته بودند، تا جایی که در جزیره افراد غیر مسلمان بر خود نام عربی می‌نهادند و به عربی تألیف می‌کردند و این امر تا قرن ۱۵ میلادی ادامه داشت (هونکه، ۱۳۷۰: ۳۴۷).

عربی، زبان نگارش دفاتر اداری و مکاتبات سیاسی بود که با آن مراودات تجاری مسافرتی انجام می‌شد؛ چنان که اتصال قسمتی از اروپا به جامعه‌ی بزرگ عربی رامشاهده می‌کنیم.

اینجاست که زبان قبطی در حال افول و زبان قوم مسیح در مقابل زبان قوم محمد (ص) رنگ باخت، و کار تا جایی پیش می‌رفت که بایستی دستورات پاپ و تصمیمات کلیسا برای مسیحیان در دوره‌ی اسلامی و حتی تا قرن سوم هجری / قرن نهم میلادی، به زبان عربی ترجمه شود.

بعد از پس گرفتن صقلیه و جنوب ایتالیا توسط نورمان‌ها، کلیسا مجبور شد کتاب عهد جدید را برای مسیحیان به زبان عربی ترجمه کند، زیرا آن‌ها دیگر لاتین نمی‌دانستند و زبان قرآن ظرف مدت یک قرن زبان بین‌المللی شده بود (همان: ۳۴۹). برای نمونه‌ای از تأثیر شعر عربی در ادبیات اروپا، می‌توان به اشعار مذهبی کریسمس و همچنین در روندو (Rondeau)^۱ و در بالاد (Balad)^۲ اشاره کرد، که این تأثیرات در اشعار ایتالیایی محسوس می‌باشد. مثلاً در اشعار مذهبی عیسوی فرانک فون (Francfon)، عیسای مقدس و فراپاکاپون (Frapakapun)، داتودی (Datodey)، معاصر دانتی (Dante)، شاعر معروف ایتالیایی است، که از شعر اسلامی الهام گرفته است، این اثرگذاری تا آنجا پیش رفت که شعر دریگال (Draggle) از روی نمونه‌ی عربی به وجود آمد و حتی لورنسو دمریچی (lorenso Demerge) و ماکیاول با وزن‌های عربی شعر می‌گفتند.

علاوه بر آن، مسلمانان جزیره، انواع سرودها و اشعار ملی هنری بر آن افزودند که هنوز در ایتالیا باقی است و در به وجود آمدن سبک اشعار سونت (sonett)^۳ در شمال ایتالیا نقش داشته‌اند (همان: ۶۳۵).

در زمان فردریک، شاعران در دربار او به سبک عربی غزل می‌گفتند و به همین شکل در آلمان عمل می‌کردند و این تمرین در آنجا به زبان محلی خودشان انجام می‌شد و مدیحه‌سرایی در سیسیل به سبک عربی-اسلامی نطفه‌ی شعر کلاسیک ایتالیایی را منعقد کرد، که در این راستا

۱. آوازی است که رقص حلقه‌ای و دایره‌وار آن را همراهی می‌کند، این اشعار جزو فلکلور فرانسه است، این نوع شعر از اوایل قرن ۱۳ م در ایام خاص مذهبی در کلیسا خوانده می‌شده است.

۲. اشعار حماسی رویایی و رومانیک آلمان است که در اواخر قرن ۱۸ م سروده می‌شده است. این اشعار متأثر از سروده‌های عربی در سیسیل است.

۳. سونت از ریشه ایتالیایی SONNETO به معنای آواز کوچک است، که از طریق فرانسه به انگلستان رفته است، این اشعار در زمان فردریک دوم در اوایل قرن ۱۳ م رواج یافته است. این نوع شعر تحت تأثیر غزل می‌باشد و از طریق تونس و نابلس به ادبیات لاتین راه یافته است. سونت فرانسوی هم از سونت ایتالیایی مشتق شده است که در آن به جای نظم و قافیه زنجیروار سبکی نزدیک به دو بیتی دارد.

دانته می‌گوید: "به این دلیل که شعرهایی که به زبان محلی در هر سرزمینی از اروپا سروده می‌شود لاتینی نیست و به آن اصطلاحاً "سیسیلی" می‌گویند (همان جا). گذشته از تأثیر شعر عربی در ادبیات اروپاییان، می‌بایست به تأثیر زبان عربی در میان اروپاییان به ویژه ساکنان ایتالیا و جزیره‌ی صقلیه اشاره کرد. لغات عربی همه‌جا در زبان اروپایی پراکنده شده‌است، نام بسیاری از اشیایی که لوازم روزمره‌ی غربیان را تشکیل می‌دهند، برگرفته از اسامی عربی-اسلامی است که هونکه بیش از هفتادوپنج لغت از آن‌ها را ذکر کرده‌است (هونکه، همان: ۴۶-۴۵). به عنوان مثال، لغات و اصطلاحاتی که برگرفته از لغات عربی است، عبارت‌اند از: ۱. قهوه = kaffee، ۲. مات = matt، از لغت عربی مات (مرد)، ۳. ژاکت = gacke، از لغت شک به معنای سلاح بر تن داشتن، ۴. تخت = dofa، از لغت الصفه، ۵- قناد = konditor، از لغت قند، ۶. شکر = zucker، از لغت سکر، ۷. پارچ = karaffe، از لغت غرابه یا غرافه، ۸. لیموناد = limonade، از لغت لیموی فارسی، ۹. موز = benanen، از لغت البنان، ۱۰. نارنج = orangen، از لغت نارنج، ۱۱. جامه‌دان = koffer، از لغت قفه، ۱۲. عطاری = drogerie، از لغت تریاک-دریاق، ۱۳. تورنازک (گاز) = gaze، از لغت قز (ابریشم) (همان جا).

تأثیر زبان عربی را در لهجه امروز مردم سیسیل نیز می‌توان دید. برخی از محققان دوستانه واژه‌ی عاریتی را که از زبان عربی برگرفته شده‌است، برشمرده‌اند. از واژه‌های عاریتی در زبان ساکنان جزیره سیسیل و ایتالیا که از همان‌جا به سایر زبان‌های اروپایی راه یافته‌است، آن‌ها که مأنوس ترند، از این قرارند:

واژه‌ی عربی "امیر" که در زبان سیسیلی به صورت ammirnffhin (آمیراگیو)، در ایتالیا به صورت ammiralio (آمیرالیو)، و در انگلیسی admiral (آدمیرال) درآمده‌است. واژه‌ی فارسی "بازار" که از طریق زبان عربی به صورت bazzariotu (باتساریوتی) به سیسیل وارد شده‌است.

واژه‌ی عربی "قهوه"، به سیسیلی cafe، که کلمه‌ی انگلیسی caffee و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن تقریباً در همه‌ی زبان‌های اروپایی، از آن مشتق شده‌است.

واژه‌ی عربی "خرشوفه" که در سیسیلی به صورت carcioffa (کارچفا)، در ایتالیایی به صورت carciofo (کارچوفو) و در انگلیسی به صورت artichoke (کنگ‌فرنگی) درآمده‌است.

واژه‌ی "کاروان" از طریق زبان عربی، به صورت *carvana* به سیسیلی، و به صورت *carovana* به ایتالیایی و سپس به سایر زبان‌های غربی راه یافته است.

ریشه‌ی واژه‌ی سیسیلی *distachio*، فستق عربی است که معرب پسته‌ی فارسی است. واژه‌ی عربی "مخزن" به ایتالیایی *magazzino* (ماگادزینو) و به انگلیسی *magazine* شده است.

واژه‌ی انگلیسی *tariff*، از واژه‌ی ایتالیایی - سیسیلی *tarrifa* مشتق است که از واژه‌ی عربی تعرفه گرفته شده است.

واژه‌ی عربی "قاند" که شاید با واژه‌ی دیگر عربی "قاضی" خلط شده باشد، در سیسیلی به صورت *caito* (کائیتو) و *cayto* (کاتیو) یا *gaito* (گائیتو) و در اسپانیایی به صورت *cayado* (کایادو) یا *gayato* (کایاتو) به عاریت گرفته شده است.

واژه‌ی عربی "قبه" در سیسیلی *cubba* (کوبا) شده است، اما شکل فرانسوی آن *couple* ظاهراً از یکی از اشکال اسپانیایی آن، *al-cobill* مشتق است.

کلمه‌ی عربی "لیمون" از طریق زبان سیسیلی و همچنین زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی در انگلیس به صورت *lemon* درآمده است.

واژه‌ی *muslin*، که بر پارچه‌ای که اصلاً در موصل بافته می‌شد، دلالت دارد؛ چه بسا از طریق اسپانیا یا سیسیل یا هردو انتقال یافته باشد (عزیز احمد، همان: ۱۴۴-۱۴۶).

لازم به یادآوری است که این‌گونه کلمات به عاریت گرفته شده از عربی، در زبان‌های اروپایی و غربی بسیار زیاد است و ما برای نمونه به ذکر تعدادی از آن‌ها پرداختیم. با رشد و پیشرفت زبان و ادبیات عربی در بین اروپاییان موضوع دیگری که در این زمینه باید به آن پرداخته شود، ترجمه‌ی کتب علمی مسلمانان در اروپاست. ترجمه در موقعیتی صورت می‌گیرد که جامعه از حالت ابتدایی و رکود خود خارج شده و حرکت خود را به سوی تکامل و ترقی آغاز کرده باشد.

این موقعیتی بود که اروپا از اواخر قرن یازدهم میلادی، بنا به علل گوناگونی، چون امنیت نسبی، توسعه‌ی تجارت، رشد شهرها و از همه مهم‌تر آشنایی با جهان اسلام وارد آن گردید. بدین منظور باید از غنی‌ترین فرهنگ‌ها، زبان‌ها و علوم مختلف بهره می‌بردند، قدیمی‌ترین

ترجمه‌هایی که از عربی به لاتین صورت گرفته، مربوط به قرن دهم میلادی، در سیسیل ایتالیا بوده است.

گوستاو لوبون، مسلمانان را در مدت ششصد سال استاد اروپا معرفی می‌کند (گوستاو لوبون، ۱۳۵۸: ۷۲۲).

کانون‌هایی که این وظیفه‌ی مهم را به عهده گرفتند، دو حوزه اصلی سیسیل و اندلس بودند. حوزه‌ی اندلس با حدود هشتصد سال حاکمیت مسلمانان و مترجمانی چون: دومینگو گوندیسالوو (Domingo Gundysaluvo)، یوحنا اشیلی، پلاتو تیولی (Plato Thiole)، رابرت چستری (Robert Chester) که به عنوان نخستین مترجم قرآن معرفی شده، و دیگر افراد صاحب نام که از این مقوله خارج‌اند (سارتون، ۱۳۵۷: ۱۲۵۴-۱۲۴۹). صقلیه در طول حاکمیت حدود دویست ساله‌ی مسلمانان تبدیل به یکی از مراکز مهم فرهنگی-تمدنی جهان اسلام گردید.

در خصوص ترجمه‌ی متون اسلامی به لاتین، باید توجه داشت که نخستین فعالیت منظم و گسترده در این حوزه صورت گرفته است. از مراکز مهم ترجمه در جزیره می‌توان به سالرنو، پالمو، ناپل و پادوآ اشاره کرد.

مترجمان حوزه‌ی سیسیل

کنستانتین آفریقایی (Konstantin African). وی در تونس به دنیا آمد و در شمال آفریقا تحصیلاتش را آغاز و به علت آفریقایی بودنش، به زبان عربی مسلط بود. از این رو، به ترجمه‌ی کتاب‌های مسلمانان پرداخت.

او برای کسب علم به ایتالیا رفت و در سالرنو سکونت گزید و عمده‌ترین ترجمه‌های او در طب و علوم پزشکی است، کنستانتین معروف‌ترین جاعلی است که کتاب‌ی نویسندگان مسلمان را به لاتین ترجمه کرده و با حذف نام نویسندگان اصلی، نام خود را در آن‌ها می‌نگاشته است، به عنوان مثال، کتاب *شفاء العیون* حنین بن اسحاق، کتاب *زاد المسافر* ابن جزار و برخی کتاب‌های رازی را به نام خود ترجمه نموده است (هونکه، همان: ۳۰۰-۲۹۷).

دومین مترجم معروف، آدلارد باثی (Adelard of Bath) است. او انگلیسی بود و در حدود ۱۱۰۷ میلادی به دنیا آمد و در اوایل قرن دوازدهم به کشورهای اسلامی، مانند سوریه،

فلسطین و مصر سفر کرد. سپس به سیسیل رفت و اقدام به ترجمه‌ی کتاب‌های مسلمانان نمود. ترجمه‌ی کتاب اصل اقلیدس، زیج خوارزمی، تصحیح مسئله‌ی ابن‌احمد مجریطی و مقدمات حساب خوارزمی، از مهم‌ترین کارهای او در حوزه‌ی سیسیل هستند (سارتون، همان: ۱۰۲۵-۱۰۱۱).

سومین مترجم، مایکل اسکات (Machel Scot)، دانشمند و منجم و مترجم اسکاتلندی (متوفای ۱۲۳۶ میلادی) در سال ۱۲۲۷ میلادی در سیسیل به عنوان مترجم و منجم به خدمت فردریک دوم درآمد و مورد توجه او قرار گرفت.

اغلب ترجمه‌های او در باب فلسفه و علم بوده است. شاید به همین علت زیگرید هونکه، صقلیه را دروازه‌ی فلسفه‌ی اسلام به اروپا می‌داند (هونکه، همان: ۴۸۶).

از دیگر مترجمان حوزه‌ی سیسیل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

سالیوی پادوآنی (Sallivay Padvay)، رئیس کلیسای پادوآ (Padva) و مترجم بوده است. استفان انطاکی (Stepen Antaky)، اهل بیزای ایتالیا و مترجم کتاب الطب الملکی یا کامل الصناعه نوشته‌ی علی بن عباس اهوازی. فرح بن سلیم، پزشک و مترجم یهودی قرن سیزدهم میلادی، از اهالی سیسیل، به فرمان شارل اول پادشاه ناپل به ترجمه‌ی کتاب الحاوی نوشته‌ی زکریای رازی پرداخت؛ و بوناکوزا (Bunakuza)، مترجمی یهودی-ایتالیایی سیسیلی بود. او در سال ۱۲۵۵ میلادی کتاب کلیات فی الطب ابن رشد را در پادوآ ترجمه کرد.

تأثیر این ترجمه‌ها بر فرهنگ اروپا را می‌توان بدین شکل بیان نمود:

- ۱) دستیابی به علوم و معارف یونان باستان
- ۲) آشنایی با معارف و علوم تمدن‌های کهن مشرق زمین
- ۳) آشنایی با دستاوردهای علمی-تحقیقاتی مسلمانان در رشته‌های گوناگون، مثل نجوم، ریاضی، مکانیک، فلسفه، طب، فیزیک
- ۴) ایجاد تحول فکری در علم و فلسفه
- ۵) انتقال اعداد هندی به اروپا

۶) رشد مراکز دانشگاهی به اروپا. دانشگاه‌های اروپایی، مثل پاریس، آکسفورد و ناپل، وقتی در قرن سیزدهم میلادی شکل گرفت که مسلمانان منابع لازم علمی را برای ارائه در این دانشگاه‌ها تأمین کرده بودند (ویل دورانت، ۱۳۸۰: ۳/۱۲۳۳).

۷) رواج روش‌های علمی جدید، مثل تجربه، آزمایش و مشاهده در مغرب زمین. داوینچی و گالیله هیچ کدام پایه‌گذار روش تجربی نبوده‌اند، بلکه پیش از آن‌ها روش علمی تجربه و آزمایش توسط دانشمندان اسلامی پایه‌گذاری شده و به کار رفته بود. گوستاو لوبون می‌نویسد: "عرب‌ها در کارها از روی آزمایش و تجربه پیش می‌رفتند و نخستین ملتی بودند که به اهمیت آن پی بردند" (گوستاو لوبون، ۱۳۵۸: ۵۴۵).

طب و علوم پزشکی

از دیگر علومی که توسط مسلمانان، خاصه اهالی صقلیه، به اروپا منتقل گردید، علم پزشکی بود. عمده آشنایی نخست مسلمانان از طریق ترجمه‌هایی صورت گرفته از زبان‌های سریانی و یونانی بوده است.

اما بعدها تحقیقات عمیق و گسترده‌ی دانشمندان اسلامی پزشکی را به رشد و شکوفایی شایان توجهی رسانید و بعدها اروپائیان با دنبال کردن تحقیقات مسلمانان توانستند به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابند و صقلیه در این زمینه مانند سایر زمینه‌های علوم و تمدن به مثابه‌ی پلی بود که دانشمندان مغرب زمین از طریق آن با مبانی طبابت و علوم پزشکی آشنا گشتند. دانشگاه پزشکی سالرنو به عنوان مجرای اصلی انتقال علوم پزشکی در همه‌ی رشته‌ها به غرب بود. توسعه‌ی آن مشخصاً با دانشمندان اسلامی و شاگردان ایشان انجام گرفت. سالرنو به عنوان معروف‌ترین و مهم‌ترین مرکز پزشکی در سراسر اروپای آن عصر با صقلیه ارتباط مستقیم داشته و تحت تأثیر پزشکان و دانشمندان آن جزیره بوده است. در قرن سوم هجری این دانشکده برای تحصیل طب شهرتی عظیم یافت و متون درسی که در این دانشکده مورد استفاده قرار می‌گرفت عموماً از ترجمه‌ی رساله‌ها و کتاب‌هایی بود که از آثار عربی در این باره تألیف شده بود (مصاحب، ۱۳۶۵: ۹۵۱). تأسیس مدرسه‌ی طب پالمو، قدمی محکم در تحصیل علم پزشکی در جزیره‌ی سیسیل بود که دستاورد این پیشرفت در مدرسه‌ی علمی سالرنو شکوفا گردید (زبان غانم، ۱۹۷۷: ۱۲۰).

دنولومدتی (dnvlvmdty)، فردی یهودی از اهالی پالمو بود که با زبان عربی آشنا شد سپس به نزد پزشکی از اهالی بغداد در پالمو طبابت را فرا گرفت و به جنوب ایتالیا یا همان سالرنو، مهاجرت نمود و از پزشکان حاذق آنجا به شمار رفت.

فرد دیگری که ناقل علوم پزشکی به سالرنو به شمار می‌رفت، کنستانتین راهب مسیحی بود که در کارتاژ به دنیا آمد و عمده فعالیت پزشکی‌اش در داروسازی و صنایع پزشکی بود. او به عنوان فروشنده‌ی دارو به صقلیه مهاجرت نمود و سپس به سالرنو رفت (هونکه، همان: ۲۹۷-۲۹۶).

از عمده تأثیرات طب اسلامی در دانشکده‌ی سالرنو و در نهایت علم پزشکی در اروپا، می‌توان به تشریح و کالبد شکافی اشاره نمود. در هردو مرکز صقلیه و سالرنو، از تشریح کالبد انسان خوداری می‌کردند و به جای آن به تشریح بدن حیوانات می‌پرداختند (عزیز احمد، ۱۳۶۲: ۱۴۰). علاوه بر طبابت، اروپاییان از نظام پزشکی (حفظ الصحه‌ی) اسلامی نیز مستقیماً تقلید نمودند. محل اصلی آشنایی اروپاییان با این امر مهم، سیسیل در عهد نورمان‌ها بوده‌است. استفاده از قوانین پزشکی، رعایت بهداشت فردی، ساخت حمام‌ها به منظور نظافت عمومی مردم، از دیگر دستاوردهای نظام متخصصان سلامت مسلمانان است. آزمون پزشکی در مراحل مختلف، تخصصی کردن مراکز پزشکی و جدا کردن پزشکان عمومی از متخصصان و داروسازان، شرکت در آزمون برای مراحل بالاتر، از مهم‌ترین قوانین بود. در زمان خلیفه المقتدر قانونی تصویب شد که حاکم اسلامی ضامن سلامت مردم است، تا جان مردم توسط پزشکان بی‌تجربه به خطر نیفتد (هونکه، همان: ۳۴۴).

کشاورزی، دامپروری و صنایع

با تحول زراعی که مسلمانان در صقلیه به وجود آوردند، توانستند قدرت زراعت و کشاورزی را در جزیره بالا برند و علاوه بر تولید میوه، سبزی جات، گیاهان دارویی و صنعتی برای مصرف داخلی، آن‌ها را به کشورهای دیگر نیز صادر نمایند. از ابتدایی‌ترین مبادلات تجاری آن‌ها، فروش پسته، زعفران، موز، پنبه و مرکبات بوده‌است. با استفاده از درآمدهای ناشی از مزارع پنبه

و نیشکر، جزیره ثروتمند شد و صاحبان آن به عنوان اقشار مرفه جامعه مطرح گردیدند (هونکه، همان: ۴۲۶).

از عمده تحولات زراعی که به اروپا راه یافت، صنعت باغداری و احداث باغ‌های مجلل بود که قسمی برای تولید محصول و قسمی برای تفریح به کار می‌رفت. دستیابی اروپاییان به گیاهان دارویی صنعتی، مثل کشت سماق که مصرف صنعتی آن در رنگرزی و رنگ سازی به عنوان ماده‌ی رنگ طبیعی حایز اهمیت بوده است. کشت نیشکر از دیگر دستاوردهای مسلمانان بود. اروپاییان تا قبل از این، برای شیرین کردن از عسل استفاده می‌کردند. صلیبی‌هایی که به بلاد اسلامی، خصوصاً صقلیه، آمدند، به نیشکر و سپس راه‌های کشت آن دست یافتند. این عمل در اوائل قرن چهاردهم میلادی اتفاق افتاد و از نشانه‌های آن می‌توان به کلمه‌ی سکر معادل Shoger، شکر لاتین، اشاره کرد.

اروپاییان از طریق صقلیه با دباغی کردن پوست و صنعت دباغی آشنا شدند. در ابتدا این صنعت "غدامسی" (Guadamaci) خوانده می‌شد یک اصطلاح عربی-آفریقهای، به معنای دباغی پوست با نمک است. بعضی معتقدند که این حرفه از سیسیل و اسپانیا مشترکاً به اروپا منتقل شده است (الطیبی، ۱۹۸۵: ۳۱). تحولات زراعی، در زندگی اقتصادی-اجتماعی مردم جزیره تأثیر بسزایی داشت. به عنوان مثال، در محاورات اهالی صقلیه الفاظ عربی زیادی در آلات و ادوات و اصطلاحات کشاورزی به زبان ایتالیایی انتقال و سپس به اروپا راه پیدا کرد.

اصلاح و تقسیم نظام زراعی بر اساس تقسیم زمین‌های کشاورزی بین کشاورزان و وضع قانون تقطیع زراعی و اگذاری زمین‌های کوچک به کشاورزان و کار بر روی آن‌ها از علت‌های فعال شدن امر کشت در جزیره بود و سپس که این نظام در اروپا به شدت مورد استقبال قرار گرفت و تا قرن ۱۵ میلادی به‌طور فراگیر در آلمان و فرانسه از آن پیروی شد. (همان: ۲۰).

از دیگر تأثیرات کشاورزی صقلیه بر اروپا، دستیابی ایشان به صنعت ابریشم و حریربافی بود. با کشت درختان توت و پرورش کرم ابریشم، کم‌کم حریربافی از سیسیل به اروپا راه یافت. صنعت منسوجات سیسیلی-ایتالیایی در شمال این کشور رشد نمود و از آن طریق به آلمان و فرانسه راه پیدا کرد (همان، ۱۹۸۵: ۲۸).

عموماً تمامی صنایع و حرف صقلی که دستاورد مسلمانان بوده به اروپا منتقل شده است. از آن جمله، صنعت طرازبافی که در دارالطراز تولید می‌شد و به عنوان یک حرفه در صنایع صقلی جای داشت و یکی از صادرات عمده‌ی آن‌ها به حساب می‌آمد (هونکه، همان: ۴۲۵). از دیگر صنایع - ای که به اروپا انتقال یافت، صنعت کاغذسازی است. کاغذسازی از شمال آفریقا به صقلیه و از آنجا به قرطبه رسید.

اروپاییان که برای اولین بار کاغذ را دیده بودند، چند تکه از آن را به اروپا بردند، زیرا آن‌ها بر روی پوست و پاپیروس می‌نوشتند. با بهره‌گیری از مسلمانان سیسیلی، اولین کارخانه‌ی کاغذ در نورنبرگ آلمان تأسیس شد، سپس در انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی، اروپاییان هیچ‌گاه مبدع صنایع نبودند، بلکه مکمل صنایع عربی بوده‌اند. بسیاری از محققان این امر را تصدیق می‌کنند.

صنایع دستی و هنرهای زیبا در صقلیه، همانند قرطبه و اندلس، با پنجه‌ی هنرمندان مسلمان تولید و از آنجا به ایتالیا و اروپا راه یافت. بهترین پارچه‌های ابریشمی و مخمل در کارگاه‌های نساجی صقلیه به دست هنرمندان بافنده‌ی عرب تهیه می‌شد. لباس‌های زربافت و قلاب دوزی شده به سبک لباس خلفای عباسی (آل علی، ۱۳۷۰: ۳۵۶) برای پادشاهان و اشراف در صقلیه فراهم می‌گشت.

صنعت و هنر کاشی‌کاری و نقش‌آفرینی و رنگ‌آمیزی در صقلیه به وجود آمد، که نمونه‌های آن را می‌توان در کلیسای پلاتین در پالمو مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری:

بدین ترتیب، اصول و مبانی علوم جدید از رهگذر تمدن اسلامی دوباره به اروپا راه یافت و اساس مطالعات علمی دانشمندان غربی گردید و نهضت علمی و رنسانس فکری اروپا تحت تأثیر این تمدن و بهره‌گیری از علوم اسلامی و عربی پدید آمد. با نگاهی کوتاه به زمینه‌ی فعالیت‌های مترجمان، به راحتی می‌توان دریافت که تمدن اسلامی فقط نقش واسطه و انتقال دهنده‌ی علوم گذشته به حال را نداشت؛ بلکه از سهم بزرگی در پیشبرد علوم و مطالعات و تحقیقات علمی برخوردار بوده است. مسلمانان بسیاری از تألیفات یونانیان در باب هیئت و نجوم را نقد و تصحیح کردند و اساس هیئت بطلمیوسی را متزلزل ساختند؛ و این نتیجه‌ی چند قرن

تحقیق و مطالعه‌ی مسلمانان بود که در طی نهضت ترجمه به اروپا انتقال یافت. این‌ها جدای از آثار اصیل علمی و پژوهشی دانشمندان اسلامی بود که به دست اروپاییان رسید. اروپا با دستیابی به این ذخایر ارزشمند فعالیت خود را آغاز کرد؛ اما به‌زودی سرچشمه‌ی آن را که مرهونش بود، به دست فراموشی سپرد، گویی که هیچ‌گاه وجود نداشته‌است و هنوز چند قرنی از آغاز نهضت ترجمه نگذشته‌بود که اروپا تاز میدان علم و دانش گردید و آنچه در میانه، این امر را تشدید می‌کرد، آغاز انحطاط علمی و فرهنگی مسلمانان بود.

هم‌زمان با گسترش فعالیت‌های اروپا، نشانه‌های انحطاط فرهنگی زیر تأثیر عوامل گوناگون چندگانه در جامعه‌ی اسلامی آشکار شد و همگام با توسعه‌ی روزافزون اروپا، گسترش و شیوع یافت، به طوری که در اندک زمانی زمینه را برای رقیبان جدید خویش خالی گذاشت.

کتابنامه

الف. منابع فارسی

۱. آل علی، نورالدین. ۱۳۷۰، *اسلام در غرب*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. دورانت، ویل. ۱۳۸۰، *تاریخ تمدن جهان*، ترجمه‌ی حمید عنایت، ج ۳، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۲، *کارنامه‌ی اسلام*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴. سارتون، جرج. ۱۳۵۷، *مقدمه بر علم تاریخ*، ترجمه‌ی صدری افشار، تهران، وزارت علوم.
۵. عزیز، احمد. ۱۳۶۲، *تاریخ سیسیل در دوره‌ی اسلامی*، ترجمه‌ی تقی لطفی و یاحقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. لویون، ۱۳۵۸ گوستاو. *حضاره العرب*، ترجمه‌ی سید هاشم حسینی، تهران، انتشارات اسلامیه.
۷. مصاحب، غلام‌حسین. ۱۳۶۵، *دایره‌ معارف اسلامی*، تهران، انتشارات فرانکلین.
۸. هونکه، زیگرید. ۱۳۷۰، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه‌ی رضا رهبانی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

ب. منابع عربی

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن عبدالوهاب. ۱۹۶۵م، *کامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر.
۲. احسان، عباس. ۱۹۵۹م، *العرب فی صقلیه*، قاهره، دارالنشر.
۳. زیان غانم، حامد. ۱۹۷۷م، *تاریخ الحضاره الاسلامیه فی صقلیه*، قاهره، دارالثقافه.
۴. الطیبی، امین. ۱۹۸۵م، *الاسلام فی الاندلس و صقلیه و اثره فی الحضاره و النهضه الارویبه*، تونس، جمعیه الدعوة الاسلامیه العالمیه.
۵. کردعلی، محمد. ۱۹۴۶م، *الاسلام و الحضاره العربیه*، قاهره، مطبعه لجنه التألیف لترجمه والنشر.

Archive of SID